

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال سی و سه، دوره جدید، شماره ۵۷، پیاپی ۱۴۷، بهار ۱۴۰۲
مقاله علمی - پژوهشی
صفحات ۱۶۲-۱۳۵

جایگاه احمدخان دنبلی خویی در سیاست اتحاد اسلام حکومت عثمانی در قفقاز^۱

محمد عزیزنژاد^۲
فاطمه جعفرنیا^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۲

چکیده

طرح اتحاد اسلام، سیاست حکومت عثمانی با همکاری حکام و امرای مسلمان منطقه آذربایجان و داغستان برای مهار نفوذ و توسعه طلبی روس‌ها در منطقه قفقاز بود. هدف این طرح، ایجاد هماهنگی و اتحاد میان خوانین منطقه به منظور تشکیل قوای مشترک تحت شعار اسلام علیه برنامه‌های استعماری روسیه بود. عثمانی‌ها با عنایت به نفوذ و اقتدار احمدخان دنبلی (حک: ۱۲۰۰-۱۱۷۶ ق/ ۱۷۸۶-۱۷۶۲ م) حاکم خوی در منطقه آذربایجان، علی‌رغم شیعی مذهب بودن او، وی را عنصری مناسب برای اهداف طرح اتحاد اسلام تشخیص داده و به برقراری ارتباط با او روی آوردند. شناخت نقش و جایگاه احمدخان خویی در سیاست منطقه‌ای عثمانی و بررسی ابعاد همکاری آن دو از مسائل فراروی این پژوهش است. این پژوهش درصدد پاسخ به این سؤالات است: همکاری احمدخان خویی با عثمانی‌ها در طرح اتحاد اسلام در چه سطحی بود؟ حاکم خوی از همکاری با سیاست منطقه‌ای عثمانی چه اهدافی داشت؟ این پژوهش بر آن است تا باتکیه بر نسخ خطی فارسی، اسناد آرشیو چاپ عثمانی و منابع تاریخ‌نگاری عثمانی با رویکرد توصیفی-تحلیلی موضوع مدنظر را واکاوی کند. یافته‌های پژوهش مؤید آن است سطح همکاری آنان در مقابله با دشمنان اسلام با گذر از سطح تبادل سفرا و مکاتبات، وارد همکاری عملی مشترک اطلاعاتی و نظامی شد. ارتقای جایگاه

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2023.41849.2711

شناسه دیجیتال (DOR): 20.1001.1.2008885.1402.33.57.6.5

۲. دکتری تاریخ ایران اسلامی (نویسنده مسئول). maziznejad63@gmail.com

۳. استادیار گروه تاریخ، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران. f.jafariya@pnu.ac.ir

از سطح حاکم محلی به سطح مدعیان حکومت و شناساندن خود به عنوان حکمران مستقل آذربایجان در فقدان حکومت مقتدر از اهداف حاکم خوی بود.
کلیدواژه‌ها: آذربایجان، احمدخان خویی، اتحاد اسلام، روسیه، عثمانی، قفقاز.

مقدمه

احمدخان دنبلی خویی، از حکام مقتدر و بانفوذ خاندان حکومتگر دنبلی آذربایجان در دوره زندیه بود. او مدارج ترقی قدرت را با گرفتن لقب خانی از کریم‌خان زند (حک: ۱۱۹۳-۱۱۶۳ق/۱۷۷۹-۱۷۵۰م) شروع کرد و در ادامه با اتخاذ سیاست تبعیت ظاهری از حاکم زند و نجفقلی‌خان دنبلی بیگلربیگی تبریز و عامل سیاسی دولت زندیه در آذربایجان، پایه‌های حکمرانی خود را تثبیت بخشید. این رویکرد سیاسی حاکم خوی، متعاقب مرگ کریم‌خان زند و بیگلربیگی تبریز تغییر و تحول یافت و با توجه به ضعف حاکمیت خاندان زندیه و رواج پدیده ملوک‌الطوایفی در قلمرو جغرافیای ایران، سیاست مستقلی در پیش گرفت.

احمدخان با ایجاد وصلت سیاسی با حکام محلی آذربایجان و سیطره بر تبریز به حاکمیت اسمی خاندان زندیه در آذربایجان خاتمه داد و به قدرت بلامنازع منطقه تبدیل شد. در واقع، او به نوعی نقش قدرت مرکزی را در آذربایجان ایفا می‌کرد. در این مقطع زمانی، در خلاء اقتدار حکومت مرکزی ایران در قفقاز، رقابتی بین دول عثمانی و روس با اهداف متفاوتی جریان داشت. روس‌ها به منظور اشغال تدریجی منطقه، برنامه‌های متعددی برای جلب خوانین آذربایجان و امرای داغستان داشتند. عثمانی‌ها نیز پس از تسلیم مناطق قریم و نواحی شمال قفقاز به روس‌ها مطابق قرارداد «کوچوک قینارجه» (۱۸۸ق/۱۷۷۴م)، برای مقابله با نفوذ و توسعه‌طلبی روس‌ها در قفقاز، رو به برقراری روابط با حکام محلی منطقه آوردند.

دولت عثمانی با ملاحظه تبعات مالی و جانی جنگ و عقد مصالحه با روسیه، سعی کرد در حکم خلیفه مسلمانان با تحریک احساسات دینی اقوام و قبایل مسلمان منطقه از ظرفیت نیروی انسانی آنان در طرح اتحاد اسلام استفاده کند؛ بنابراین برای اجرای این سیاست و عدم تحریک روس‌ها به شکل غیرمستقیم و از طریق پاشاهای مرزی، وارد ارتباط با حکام و امرای محلی شد.

با عنایت به نفوذ و اقتدار احمدخان خویی، بر سایر حکام و امرای محلی آذربایجان و هم‌جواری قلمرواش با مرزهای عثمانی، او را برای اجرای سیاست اتحاد اسلام مناسب دیدند. روس‌ها نیز در مقابل با اخذ امتیازهای سیاسی-تجاری از علی‌مرادخان زند (حک: ۱۱۹۹-۱۱۹۶ق/۱۷۸۴-۱۷۸۱م) به حمایت از او در برابر دیگر مدعیان قدرت در ایران برخاستند.

شناخت جایگاه احمدخان خویی در سیاست منطقه‌ای دولت عثمانی و بررسی کیفیت سطح همکاری آنان علیه روسیه، از مسائل مهم این تحقیق است. این مسئله در تاریخ ایران، به‌علت کمبود منابع تاریخی جای طرح و بحث دارد.

براین اساس سؤالاتی مطرح است: همکاری احمدخان خویی با عثمانی‌ها در سیاست اتحاد اسلام در چه سطحی بود؟ حاکم خوی از همکاری با سیاست منطقه‌ای عثمانی چه اهدافی داشت؟ به نظر می‌رسد سطح همکاری آنان در مقابله با دشمنان اسلام با گذر از سطح تبادل سفرا و مکاتبات، وارد همکاری عملی مشترک اطلاعاتی-نظامی خصوصاً در محافظت از قلعه ایروان شد. ارتقای جایگاه خود از سطح حاکم محلی به سطح مدعیان حکومت و شناساندن حکمرانی مستقل خود در آذربایجان بر رقبای برتر، اهداف حاکم خوی از همکاری با عثمانی بود.

منابع استفاده‌شده این پژوهش اغلب شامل اسناد چاپی و منابع تاریخ‌نگاری عثمانی و نسخ خطی فارسی است. در این پژوهش به کرات از کتب اسناد چاپ عثمانی چون قراباغ در اسناد عثمانی، آذربایجان در اسناد عثمانی و اسناد آرشیوی درباره مناسبات خوانین ترک آذربایجان با دولت عثمانی^۱ استفاده شده است. این منابع اسنادی شامل گزارش‌های متعدد پاشاها و جاسوس‌های عثمانی از تحولات آذربایجان و نامه‌های متبادله خوانین آذربایجان با دولت عثمانی در دوره زندیه و قاجاریه است (عزیزنژاد و جعفرنیا، ۱۴۰۱: ۸۵-۸۴). همچنین در این پژوهش از منابع تاریخی عثمانی-ایرانی و کتب نسخ خطی چون *حدائق الجنان* از عبدالرزاق بیگ دنبلی، *تذکره الدنباله* اشتهازی، کتاب نسخه خطی بی‌نام^۲ درباره احوال خاندان دنبلی و مکاتبات حسینعلی خان قاجار ایروانی از محمدمسلم قدسی ایروانی نیز استفاده شده است. نسخه متأخر شامل مکاتبات خوانین ایروان با حکومت عثمانی، احمدخان خویی و

۱. این منبع اسناد چاپ آرشیو عثمانی دو جلدی در متن مقاله با نام (Belgeleri) آمده است.

۲. در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نسخه خطی به شماره میکروفیلم ۷۵۶۸ وجود دارد که فهرست‌نویسان روی صفحه اول آن، عنوان تاریخ دنبلی و نام عبدالرزاق بیگ دنبلی درج کردند که نگارندگان از آن استفاده کرده‌اند. این نسخه خطی برخلاف نظر برخی محققان، به لحاظ محتوا هیچ شباهتی با کتاب *تجربه الاحرار و تسلیه الابرار* دنبلی ندارد. پژوهشگر محترم، آقای صادق حجتی، ظاهراً درباره این نسخه اشتباه کرده است. در حالی این نسخه خطی با شماره میکروفیلم ۷۵۶۸ درج شده است؛ آقای حجتی با شماره ۳۲۱۰ در پایان‌نامه خود ثبت کرده است. ضمناً نام‌برده این نسخه را ندانسته با دو نام *ریاض‌الجنه* یا *تاریخ دودمان دنبلی* آورده است. درحالی‌که هیچ‌کدام از این دو اسم در عنوان یا متن نسخه نیست؛ بلکه تاریخ دنبلی ثبت شده است، اما نگارندگان مقاله، ادعایی در باب عنوان نام کتاب و انتساب این اثر به عبدالرزاق بیگ دنبلی ندارند و صرفاً مطالب این نسخه خطی استفاده شده و به آن ارجاع داده شده است.

حکام تفلیس است و از حیث شناخت همکاری حاکم خوی با دولت عثمانی درباره تحولات ایروان منبع مهمی محسوب می‌شود. شیوه پژوهش حاضر نیز رویکردی توصیفی-تحلیلی است.

پیشینه پژوهش

مهدی آقاسی و محمدامین ریاحی، کتاب‌هایی هم‌نام با عنوان تاریخ خوی درباره خاندان دنبلی دارند. اینان به‌رغم ارائه اطلاعات جامع از تاریخ خاندان دنبلی، درباره روابط احمدخان خویی با حکومت عثمانی از گزارش مختصر فراتر نرفته‌اند. مقاله بهنام بیگ محمدی با نام «نقش دنبلیان خوی در روابط ایران و عثمانی» (۱۳۹۲)، نوآوری جدیدی ندارد و مطالب آن اقتباس از اثر محمدامین ریاحی است. مقاله «مناسبات خانان آذربایجان با دولت عثمانی در اواخر دوره زندیه» (۱۳۸۴)، محمدرضا نصیری با تکیه بر چند نامه اسنادی، مواضع احمدخان در بحران بصره بین عثمانی و کریم‌خان زند را مطرح کرده است.

پژوهش «خان‌نشین خوی و مناسبات دولت عثمانی با این خوانین» (۱۹۹۸)^۱، از محمدعلی چاقماق نیز مختصراً نقش احمدخان در امور داخلی ایروان و رقابت با گرجی‌ها را بیان کرده است. پایان‌نامه امره نوسل با عنوان «فعالیت خوانین قفقاز در جنگ عثمانی-روس (۱۷۹۲-۱۷۸۷م)» (۲۰۱۵)^۲، هم به‌شکل محدود به جایگاه احمدخان خویی در روابط با حکومت عثمانی از منظر اسناد پرداخته است. کریستف ورنر آلمانی نیز در کتاب تاریخ اجتماعی و اقتصادی نخبگان تبریز (۲۰۰۰)^۳، اختلاف داخلی خاندان دنبلی و رقابت این خاندان با دیگر نخبگان سیاسی-نظامی آذربایجان و مدعیان قدرت را توضیح داده است. با این حال، هیچ‌کدام از این پژوهش‌ها به‌طور خاص موضوع مدنظر را بررسی جامع نکرده‌اند. این پژوهش سعی دارد جایگاه احمدخان خویی را در طرح اتحاد اسلامی حکومت عثمانی در قفقاز با اتکا به منابع چاپ اسناد عثمانی و نسخه‌های خطی فارسی بررسی کند.

درآمدی بر خاستگاه و پیشینه سیاسی خاندان دنبلی

دنبلی‌ها نسب کردی داشتند و منطقه شام هم خاستگاه اولیه آنان بود (بدلیسی، ۱۳۷۳: ۳۹۹؛ وان تاریخی، ۱۹۲۸: ۴۳؛ نادر میرزا، ۱۳۶۰: ۱۴۸). دنبلی‌ها پس از تبعیت از حکومت صفوی، در

1. Hoy Hanlığı ve Osmanlı Devletinin Bu Hanlıkla İlişkileri.
2. Osmanlı-Rus savaşında Kafkas Hanlıklarının faaliyetleri (1787-1792).
3. An Iranian Town in Transition (A Social and Economic History of the Elites of Tabriz, 1747-1848).

ایالت آذربایجان مستقر شدند و به تدریج ناحیه خوی به اوجاق موروثی طایفه دنبلی تبدیل شد (بدلیسی، ۱۳۷۳: ۴۰۶؛ وان تاریخی، ۱۹۲۸: ۴۲). مذهب دنبلی‌ها متناسب با شرایط زمانی و مکانی تغییر یافت. تفاوت مذهبی این ایل، آن‌ها را از سایر گروه‌های ایلی آذربایجان متمایز می‌کرد (حجتی، ۱۳۸۹: ۶). درباره مذهب و زبان خاندان دنبلی در دوره قاجار می‌توان با گزارش حاجی زین‌العابدین شیروانی مبنی بر اینکه آنان «همگی ترک‌زبان و شیعه امامیه‌اند و مسکن ایشان ولایت خوی است» (بی‌تا: ۲۸۶) هم نظر شد؛ زیرا پس از استقرار در آذربایجان متناسب با زبان و فرهنگ حاکم آنجا، گرفتار تغییر زبانی و فرهنگی شده‌اند (حجتی، ۱۳۸۹: ۶).

باتوجه به موقعیت جغرافیایی ناحیه خوی و هم‌جواری آن با مرزهای عثمانی، حکومت صفویه حراست از این مرزها را به ایل دنبلی واگذار کرد (دنبلی، ۱۳۴۹: ۵۶۱). آنان علاوه بر تأمین امنیت مرزهای آذربایجان از تجاوز عشایر اکراد ساکن عثمانی، در تهیه اطلاعات از قلمرو عثمانی نیز نقش مهمی داشتند (ترکمان، ۱۳۷۷: ۷۸۳/۲). حکومت صفوی در قبال وفاداری آنان، شهر خوی را به‌عنوان تیول به آنان واگذار کرد و این نواحی به پایگاه خاندان دنبلی تبدیل شد. این خاندان مقارن با ضعف حکومت افشار در ایالت آذربایجان قدرت گرفتند (اشتهدادی، بی‌تا: ۳۷). همچنین با اطاعت از کریم‌خان زند، مقام بیگلربیگی آذربایجان را در شهر تبریز نجفقلی‌خان دنبلی و حکمرانی خوی را احمدخان دنبلی تصاحب کردند (غفاری‌کاشانی، ۱۳۶۹: ۲۱۴؛ دنبلی، ۱۳۵۰: ۱۴۱/۲؛ Werner, 2000: 39).

درواقع نجفقلی‌خان نقش فرمانروایی کل آذربایجان در دوره حکومت زندیه را ایفا می‌کرد (Werner, 2000: 39). متعاقب مرگ کریم‌خان، احمدخان دنبلی به‌عنوان وزنه برتر سیاسی در فقدان حکومت مرکزی در آذربایجان ظهور کرد. حکومت عثمانی برای مقابله با سیاست توسعه‌طلبی روسیه و گرجستان به برقراری روابط با او رو آورد؛ اما وجود اختلاف و رقابت درون‌ایلی دنبلی‌ها، حذف احمدخان را از صحنه سیاسی ایران رقم زد (اشتهدادی، بی‌تا: ۵۹؛ نادر میرزا، ۱۳۶۰: ۱۵۱-۱۵۰).

بحران بصره زمینه ارتباط حکومت عثمانی با احمدخان خویی

جنگ قریم (۱۱۸۸-۱۱۸۲ق/۱۷۷۴-۱۷۶۸م)، قفقاز را به یکی از کانون‌های درگیری و رقابت عثمانی-روس مبدل کرد، درحالی‌که صحنه میدان جنگ در قریم جریان داشت و محل تمرکز اصلی قوای عثمانی نیز همین نواحی بود (Baddeley, 1908: 34). روس‌ها به‌منظور ایجاد شکاف و کاستن از فشار نیروهای عثمانی در نظر داشتند آن‌ها را به نقاطی دیگر بکشاند

(Ibid)؛ از این رو با اطلاع از احساسات ضد عثمانی گرجی‌ها و جلب نظر حاکمان گرجی، فوجی از قوای روسی را به گرجستان وارد و بدین وسیله بحران جنگ در جبهه اروپا را به مرزهای شرقی عثمانی تسری دادند. نتیجه آن، ایجاد جبهه انحرافی به نام «جبهه آسیا» در گرجستان بود (Atkin, 1988:155; Gvosdev, 2000:29-30). پس قفقاز در نیل به هدف روس‌ها در جنگ قریم نقش خود را ایفا کرد؛ زیرا در حین جنگ هزار سرباز ترک را در جبهه آسیا مشغول نمود و از زحمت روسیه از جبهه اروپا کاست (Baddeley, 1908:29).

عثمانی‌ها در واکنش به این اقدام روس‌ها، با رایزنی با کریم‌خان زند خواستار خروج قوای روسیه از منطقه قفقاز و مانع همکاری حکام گرجی با آن دولت شدند (اسنادی از روابط ایران و روسیه، ۱۳۸۷: ۴۲۲). حتی با ارسال سفیرایی به دربار زندیه، درصدد جلب هم‌پیمانی طرف ایرانی و لشکرکشی علیه آنان برآمدند (همان)؛ اما دولت عثمانی با آگاهی از ضعف حکومت زندیه و عدم اقدام مناسب خان زند نسبت به تحولات قفقاز، برای مقابله با تجاوز روس-گرجی، وارد ارتباط با حکام آذربایجان شد و سعی کرد با تحریک احساسات دینی قبایل قفقاز و حکام آذربایجان از نیروی جنگی آنان علیه روس-گرجی بهره جوید (Baddeley, 1908: 34). چنانچه در گزارش کنسول روس مقیم انزلی (۱۱۸۶ق/۱۷۷۲م) آمده است، سرعسگر پاشای ارض‌روم، توانست خان‌های تبریز، خوی و ایروان را به سوی خود متمایل کند (اسنادی از روابط ایران و روسیه، ۱۳۸۷: ۴۲۲).

در این مقطع احمدخان خویی هنوز تحت اقتدار حکمرانی کریم‌خان زند و کارگزار سیاسی-نظامی او یعنی نجفقلی خان دنبلی بیگلربیگی تبریز قرار داشت (اشتهاردی، بی تا: ۵۶) و دولت عثمانی نیز در مسئله گرجستان بیشتر با آن دو همکاری و مکاتبه داشت، اما کریم‌خان با تصرف بندر بصره (۱۱۸۹ق/۱۷۷۵م) به تنش روابط حکومت عثمانی با ایران دامن زد و جایگاه سیاسی احمدخان را نزد عثمانی‌ها نمایان کرد. این بحران روابط حکام آذربایجان با دول عثمانی و زندیه را هم تحت الشعاع قرار داد. احمدخان خویی نیز از تنش دو کشور متأثر شد (عزیزنژاد، ۱۳۹۸: ۳۰).

پیش‌تر جنگ قریم، جایگاه قفقاز را برای عثمانی‌ها مشخص کرده بود؛ از این رو، در آستانه جنگ با دولت زندیه، این بار برای مقابله با تهدیدهای احتمالی از سوی قفقاز توسط کریم‌خان، دست به اقدامات پیشگیرانه‌ای زدند. سلطان عثمانی در حکمی به والی ارض‌روم (۱۱۹۲ق/۱۷۷۸م) با اشاره به این مسئله افزود: «وکیل ایران چند سال است به حدود نواحی بغداد و بصره مرتکب سوءقصد شده است و بروز اقدام مشابه و مغایر با مصالحه نیز از جانب خوانین آذربایجان که هم‌مرز با دولت عثمانی هستند، محتمل است» (Osmanli belgelerinde

(Azerbaijan, 2015: 162).

بنابراین شناخت ماهیت رفتار سیاسی و رویکرد خوانین آذربایجان در جنگ احتمالی با دولت زندیه، اولویت سیاست عثمانی در ایجاد روابط با احمدخان خوبی بود (عزیزنژاد، ۱۳۹۸: ۴۳). همچنین برای برقراری ارتباط با خوانین خوی، ایروان و گرجستان به سبب هم‌جواری با مرزهای عثمانی اهمیت بیشتری قائل شدند؛ زیرا احتمال ایجاد طرح مشابه جبهه آسیای از نوع ایرانی از قلمرو حکمرانی آنان می‌رفت (همان). بدین‌گونه عثمانی‌ها (۱۹۰ق/۱۷۷۶م) با اعلان جنگ به دولت زندیه، قوای نظامی خودشان را در نواحی چلدر، قارص و بغداد متمرکز کردند؛ مأموریت قوای پاشاهای چلدر، قارص و ارض‌روم در قفقاز برای مقابله با تجاوز احتمالی خوانین آذربایجان، گرجستان و زندیه بود (راسم، ۱۳۲۹-۱۳۲۷: ۱۰۵۱/۳).

به نوشته جودت پاشا (۱۲۹۶: ۱۰۸/۱)، «اگرچه آذربایجان در دست خانان مستقل قرار داشت؛ اما آنان نیز با اعلام اطاعت و ارسال هدایا و مراسلات به کریم‌خان خدمت می‌کردند»، مضافاً خان زند برای استمرار فرمان‌برداری، گروگانی از آنان نزد خود داشت (همان؛ دنبلی، بی‌تا: ۴۵) و احتمال می‌رفت از این ابزار فشار، برای وادارکردن حکام آذربایجان به همکاری علیه عثمانی استفاده کند.

مأموریت برقراری روابط با خوانین خوی و ایروان به سرعسگر ارض‌روم محول شد. سلطان عثمانی نیز دستوراتی را به سرعسگر ارض‌روم ابلاغ کرد، برای تهیه خبر و تجسس از اوضاع آذربایجان، ایجاد روابط دوستانه با خوانین آذربایجان به‌ویژه خوی و ایروان و تضمین کتبی از آنان مبنی بر نداشتن اقدام مغایر با منافع دولت عثمانی (Osmanli belgelerinde). (Azerbaijan, 2015: 162).

عثمانی‌ها پیش از اعلام جنگ به ایران، نظر به فقدان آگاهی از اتحاد یا عدم اتحاد خوانین آذربایجان با دولت زندیه و محدوده نفوذ و اقتدار کریم‌خان زند در آن نواحی، با صدور فرمانی به حاکمان قارص و ارض‌روم خواستار کسب اطلاع دقیق از این مسئله شدند (جودت پاشا، ۱۲۹۶: ۱۲۵/۱؛ عزیزنژاد و جعفرنیا، ۱۴۰۱: ۸۸). ضمناً به سبب استیلا و غارت عراق توسط کریم‌خان، از شیخ‌الاسلام استانبول فتوای شرعی بر ضرورت جنگ با دولت زندیه را گرفتند. در این فتوا حکم قتل افرادی که تابع خان زند باشند و به همکاری با او اقدام کنند، واجب اعلام شد (جودت پاشا، ۱۲۹۶: ۱۱۵/۱-۱۱۴). پاشای قارص، نامه‌های سلطان عثمانی و فتوای شیخ‌الاسلام استانبول را همراه با هدایایی برای احمدخان خوبی ارسال کرد (۱۹۰ق/۱۷۷۶م) (همان: ۱۲۵/۱).

این نخستین تماس رسمی مقامات عثمانی با احمدخان خویی بود. در مقابل، خان خوی با ارسال نامه به استانبول، فرمان برداری و آمادگی خود را برای انجام هرگونه خدمت و تکلیف از سوی سلطان عثمانی اعلام کرد (همان: ۳۰۲/۱، ۱۲۷؛ جودت پاشا، ۱۳۰۷: ۵۵) و خود را از اتهام طرفداری از کریم خان زند مبرا کرد (جودت پاشا، ۱۲۹۶: ۳۰۲/۱). عثمانی‌ها نیز برای اطمینان خاطر او اعلام داشتند چنانچه تجاوزی از سوی کریم خان متوجه او شود، به حمایت از وی خواهند شناخت (همان: ۱۲۷/۱).

ضمناً برای رفع نگرانی خان خوی، ماهیت تجمع قوای نظامی در قارص را تأمین امنیت مرزهای عثمانی و محافظت از قارص بیان کردند (همان: ۱۲۹/۱). سلطان عثمانی به منظور جلب احمدخان، تعداد هزار و پانصد سکه زر با کُرک سمور به او هدیه داد (همان: ۱۲۸/۱)، اما دولت عثمانی به رغم دریافت «تأیید مصادقت» از خوانین خوی، ایروان و تغلیس چندان به قول آنان اعتماد نداشت (راسم، ۱۳۲۹-۱۳۲۷: ۱۰۵۱/۳) و اقدامات احتیاطی از قبیل ایجاد رعب و وحشت با نمایش سان قوای نظامی، اعزام جاسوس و تهیه گزارشی از قلمرو حکام آذربایجان را به سرعت قارص تأکید کرد (جودت پاشا، ۱۲۹۶: ۱۲۸/۱).

شناخت رفتار سیاسی، جلب حمایت از مواضع عثمانی، همکاری نداشتن با خان زند و افشای ماهیت تجاوزطلبی کریم خان اهداف عثمانی از ایجاد روابط با احمدخان خویی بود (همان: ۳۰۰/۱ و ۲۹۶). ظاهراً اقدام سیاسی دولت عثمانی در ایجاد روابط با خان خوی و تبادل مکاتبات و ارسال هدایا، تأثیرگذار بوده است؛ چون در منابع تاریخی گزارشی از اقدام او مغایر با منافع عثمانی و همکاری با دولت زندیه ارائه نشده است. اتخاذ این رویه حاکم خوی را می توان به پایین بودن میزان نفوذ و اقتدار دولت زندیه و فقدان ابزار اعمال فشار کریم خان دانست (عزیزنژاد، ۱۳۹۸: ۴۴)؛ چون خوانین آذربایجان در اجرای احکام و انجام امور اختیار تام نداشتند و چندان رسم فرمان برداری از خان زند را به جا نمی آوردند و صرفاً به ارسال هدایای اندک بسنده می کردند (دنبلی، ۱۳۴۹: ۱۳۱/۱؛ دنبلی، بی تا: ۴۵).

قرارداد گئورگیوفسگ و تشدید همکاری عثمانی‌ها با حاکم خوی

روس‌ها برای نفوذ و سیطره بر قفقاز نیاز به متحدی در این منطقه احساس می کردند؛ زیرا باتوجه به وضعیت کوهستانی و مردمان جنگجوی منطقه، فهمیده بودند که همه اقوام قفقازی را نمی توانند حول یک اتحاد سیاسی تحت سلطه خود درآورند؛ بنابراین برای تصرف تدریجی منطقه قفقاز، ایجاد پایگاهی ضرورت داشت (Tolmachev, 2003: 4-8)؛ ازاین رو با انعقاد قرارداد «گئورگیوفسگ» (۱۱۹۷/ق/۱۷۸۳م) با ارکلی خان (حک: ۱۲۱۳-۱۱۶۰/ق/۱۷۸۹-۱۷۴۷م)

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۳، شماره ۵۷، بهار ۱۴۰۲ / ۱۴۳

حاکم تفلیس، جای پای در قفقاز باز کردند. این بار روس‌ها برخلاف سال ۱۸۳۱ق/۱۷۶۹م، قصد حضور دائمی با برنامه منظمی برای اشغال منطقه داشتند (Ibid).

این معاهده، آذیر خطر را مجدداً در مرزهای شرقی آناتولی و قفقاز برای دولتمردان عثمانی به صدا درآورد (جودت پاشا، ۱۲۹۶: ۱۹۸/۳ و ۱۳۵)؛ زیرا فی‌نفسه قفقاز حیات خلوت حکومت عثمانی بود و متقابلاً گرجستان نیز پاشنه آشیل آن دولت در منطقه بود. معاهده گئورگیوفسگ، مفاد خطرناکی برای عثمانی‌ها و خوانین قفقاز داشت؛ در این قرارداد، دولت روسیه، دشمنی با حاکم تفلیس را به منزله دشمنی خود می‌دانست و متعهد به حمایت از ادعای ارضی گرجستان در سرزمین‌های گنجه، ایروان و بخشی از خاک عثمانی شده بود (Armenians and Russia, 2001: 293-294; Atkin, 1988: 160).

چنانچه در نامه‌های ارسالی به خوانین آذربایجان به این مسئله اشاره و تأکید می‌کرده‌اند (Belgeler, 1992: 94/1; Belgeler, 1993: 53/2). در اصل، روس‌ها در نظر داشتند با برانداختن حکمرانی خوانین مسلمان منطقه، حکومت مسیحی دست‌نشانده ارمنی در قراباغ، ایروان و نخجوان تشکیل دهند (Atkin, 1988: 160). حتی علی‌میرادخان زند، حاضر بود با تأیید او به‌عنوان شاه ایران توسط روسیه، با شرایط آنان کنار بیاید (Armenians and Russia, 2001: 313).

گفتنی است پس از عقد قرارداد با حاکم تفلیس، روند فعالیت‌های ساخت‌وساز نظامی روس‌ها از قبیل استحکامات، جاده و انبار در گرجستان و چرکستان شدت گرفت (Belgeler, 1992: 125/1). خصوصاً پروژه اتصال راه زمینی به گرجستان از میان ارتفاعات چرکستان با مشارکت ارکلی‌خان، از طرح‌های مهم نظامی روس‌ها در قفقاز بود که به «جاده نظامی قفقاز» معروف بود (Armenians and Russia, 2001: 292). هدف این طرح، انتقال تجهیزات نظامی از چرکستان به تفلیس بود (Belgeler, 1992: 82/1). این جاده که در نزد عثمانی‌ها به «آنانور»^۱ معروف بود، نگرانی عمده آنان و خوانین منطقه بود.

چنان‌که پاشاهای عثمانی و خوانین، مرتب اخبار ساخت این پروژه را به دربار استانبول مخابره می‌کردند (Ibid: 123, 125-126; Belgeler, 1993: 51-52/2). حتی حاکم تفلیس با این جاده در حال ساخت، خوانین آذربایجان و داغستان را تهدید می‌کرد (Belgeler, 1992: 96/1). بارزترین تأثیر معاهده گئورگیوفسگ، افزایش سیاست تهاجمی خان تفلیس علیه سرزمین‌های

۱. آنانور نام کوهی در نواحی چرکستان و ده‌منزلی تفلیس واقع و مملو از صخره، پرتگاه و جنگل‌های انبوه است (Belgeler, 1992: 96/1).

هم‌جوار چون گنجه و ایروان با کمک قوای روسی بود (Ibid: 79). این قرارداد همچنین توازن قوا را به نفع او و ضرر حکام مسلمان منطقه تغییر داد.

روس‌ها (۱۹۷/ق ۱۷۸۳م) با اعزام سفرا نزد خوانین قفقاز، خواستار اتخاذ رویه مشابه خان تغلیس شدند (Ibid: 89) و با حربه و عده، تطمیع و تهدید سعی در جلب آنان برآمدند (Ibid: 94). حتی در صورت همراهی نکردن با سیاست حکومت روسیه و دشمنی با خان تغلیس، پیام‌های تهدیدآمیز بر نابودی آنان ارسال کردند (Ibid). خان تغلیس نیز برای تحقق مطامع سیاسی خود ایلچپانی نزد خوانین ایروان، خوی و تبریز فرستاد و با ادعای اینکه آذربایجان متعلق به روس‌ها است، اطاعت آنان را خواستار شد (Ibid: 103). او حتی از نام و لباس روس‌ها سوءاستفاده و افرادی را در شمایل روسی با نامه‌های تهدیدآمیز به نزد خوانین مذکور اعزام می‌کرد (Ibid: 96).

ابعاد همکاری احمدخان خویی با عثمانی‌ها

۱. اعطای منصب سپهسالاری

عثمانی‌ها پس از اطلاع از قرارداد گنورگیوفسک و مشاهده افزایش تحرکات سیاسی روس‌ها در قفقاز، برای مقابله با نفوذ و برنامه‌های استعماری آنان، به سیاست اتحاد اسلامی با همکاری خوانین قفقاز متوسل شدند تا با تهییج احساسات دینی اقوام و قبایل داغستان و آذربایجان، قوای نظامی آنان را علیه روس‌ها بسیج کنند، اما مسائل متعددی از قبیل نداشتن شناخت دقیق از اوضاع سیاسی منطقه، توان مالی-نظامی خوانین آذربایجان، میزان همکاری و همراهی آنان علیه روس، از چالش‌های فراروی حکومت عثمانی بود؛ بنابراین در ابتدا برای حل این مسائل، رو به برقراری روابط با خوانین آذربایجان و امرای داغستان آوردند. سپس با تفویض اختیارات تام و اعطای منصب سرعسگری مناطق مرزهای شرقی به سلیمان‌پاشا والی چلدر، او را مسئول ایجاد ارتباط و رایزنی با حکام منطقه تعیین کردند (Osmanli belgelerinde Karabağ, 2009: 403).

والی چلدر، خلیل افندی را به مأموریت‌هایی چون تهیه گزارش از اوضاع منطقه، بیداری خوانین از توطئه مشترک روس-گرجی، توزیع رونوشتی از عهدنامه گنورگیوفسک و رایزنی با موضوع تحولات منطقه به نزد خوانین آذربایجان و داغستان اعزام کرد (Belgeleri, 1992: 120, 123/1; Osmanli belgelerinde Karabağ, 2009: 403).

اخذ تعهد کتبی از حکام منطقه برای همکاری با دولت عثمانی مقابل سیاست تجاوزگری روس‌ها، مهم‌ترین مأموریت خلیل افندی بود (Osmanli belgelerinde Karabağ, 2009: 403).

اما مأموریت خلیل افندی به خوی، به علت حضور افراد خان تغلیس در مسیر راه‌ها و پیشگیری از کشف ماهیت سفارت، سبب توقف طولانی در قراباغ شد و پس از مدتی با کمک خان قراباغ با طی مسیری غیر متعارف و طولانی به خوی رسید. این قضیه موجب شد تا والی چلدر برای جبران عقب‌ماندگی مأموریت او، سفیری جدید به نام سلیمان‌آقا را به خوی اعزام کند (Ibid: 405).

با این پیشامد، رسماً دیدار خلیل افندی با احمدخان خویی جنبه تشریفاتی به خود گرفت؛ چون خان خوی پیش‌تر جواب نامه او را با اعزام پیکری به والی چلدر فرستاده بود (Ibid)، اما او در معرفی احمدخان خویی به والی چلدر، او را با تعبیر «عتیق» مسن‌ترین خان و رشیدترین فرد در بین خوانین آذربایجان یاد کرده و افزود: «گرچه مملکت و عسگری قلیل» دارد؛ اما با خوانین تبریز، اورمیه، مرند و نخجوان رابطه خویشاوندی دارد و متحد است. چنانچه قرابت خویشاوندی بین او و خان قراباغ شکل گیرد، امکان تمهید مبانی اتحاد خوانین آذربایجان حول اتحاد اسلام می‌تواند در منطقه به وجود آید؛ زیرا سایر خوانین تحت نفوذ و تابع این دو خان هستند (Ibid: 403,405). اسناد روسی نیز قلیل بودن نیروی احمدخان خویی را تأیید می‌کنند (Armenians and Russia, 2001: 299).

حاکم نخجوان در گزارش به عثمانی‌ها، «احمدخان را بزرگ ممالک آذربایجان» معرفی می‌کند و اینکه تمام حکام آذربایجان متحد و دوست او هستند (نصیری، ۱۳۵۶: ۱۰۵). همچنین با اعلام دنباله‌روی خود از سیاست منطقه‌ای احمدخان، درباره مواضع او به عثمانی‌ها می‌افزاید: «در همه حال خان معظم‌الیه صلاح دولت ابدمدت سلطانی را منظور و پیشنهاد خاطر ساخته از جمله اخلاص کیشان و دولت خواهان اوجاق‌گردون رواق علیه سلطانی می‌باشد. مخلص دولت خواه نیز در صلاح و صواب‌دید عالی‌جاه سابق‌اللقاب بوده در صورتی که عالی‌جاه سابق‌الذکر اخلاص کیش دولت علیه عثمانی باشد این مخلص به طریق اولی اخلاص کیش و خدمتگزار اوجاق‌گردون رواق دولت علیه عثمانی و بندگان عالی می‌باشد.» (همان: ۱۰۶)

حاکم مراغه نیز خان خوی را «امیرالامرا العظام عمده‌الخوانین الکرام مخدومی مطاعی احمدخان صاحب‌اختیار ممالک آذربایجان» به صدراعظم عثمانی معرفی می‌کند و درباره همکاری خود با او می‌افزاید: «این غلام... با بندگان جلیل‌الشأن مخدومی معظم‌الیه [احمدخان] و سایر حضرات در عالم مسلمانی و ملاحظه هم‌مذهبی به طریق مراقبت سلوک و به قدر یک‌مو از اوامر علیه و از رفاقت و مؤالفت عالی‌جاه والاجایگاه مخدومی معززی‌الیه تخلف نخواهد ورزید.» (نصیری، ۱۳۵۴: ۱۵۳) اما خلیل افندی رویکرد حاکم خوی به دولت عثمانی

را از زبان او چنین بیان می‌کند: «چنانچه دولت علیه بر ما حسن نظر و التفات داشته باشد، ما نیز در اظهار غیرت، صداقت و خدمات به آن دولت قصور نخواهیم کرد.» (Osmanli belgelerinde Karabağ, 2009: 405) در انتها هم افزوده است: «اگر از عنایت دولت

علیه مأیوس گردد، بالضروره راهی جز متابعت به طائفه روسیه نخواهد داشت.» (Ibid)

درواقع احمدخان خویی، آمادگی خود را برای همکاری با طرح اتحاد اسلام با اعزام سفیری نزد مقامات عثمانی اعلام کرد. او در پاسخ به نامه والی چلدر، با اعلام دریافت نامه و اخبار تحولات گرجستان و ورود نیروی روسی به تغلیس، افزود: «این اعمال و رفتار روس‌ها باعث تحریک عرق غیرت و حمیت او گردیده است» (Belgeleri, 1993: 59/2). همچنین دفع دشمنان اسلام را بر عموم مسلمانان واجب دانست و افزود این امر مختص به عثمانی و ایران ندارد و «هر فکر صواب و رأی رزین» راجع به این امر صادر شود: «قطعاً از جانب او تخلف و تعللی انجام نخواهد گرفت و برحسب اتحاد مذهب با تمام قوت و وسع خویش اقدام خواهیم کرد» (Ibid).

در این نامه، خان خوی برخی از نکات و سفارش‌ها را شفاهی به سفیر خود جهت اطلاع به دربار استانبول ابلاغ کرد. سلیمان پاشا نیز به خواست او، سفیرش را به استانبول اعزام کرد (Ibid). حکومت عثمانی در واکنش به پاسخ مثبت خوانین آذربایجان و داغستان به طرح اتحاد اسلام علیه روسیه، فرامین و هدایای متناسب با شأن و منزلت هر یک از خوانین آذربایجان از طریق ابراهیم بیگ ارسال کرد (Belgeleri, 1992: 127-128/1; Armenians and Russia, 2001: 318). حتی عثمانی‌ها، به حسینعلی بیگ فرستاده خان خوی لطف و عنایت کرده و مبالغی برای خرج راه در اختیار او و هیئت همراه قرار دادند (Belgeleri, 1992: 117/1).

حاکم خوی نیز دریافت فرمان در «باب تنبیه و ایقاز» و «تشریفات مهر آثار دربار معدلت‌مدار پادشاه اسلام» از طریق ابراهیم بیگ را به والی چلدر اعلام و آن را مایه افتخار عظیم و مباهات خود دانست (نصیری، ۱۳۵۶: ۱۱۸-۱۱۶؛ نصیری، ۱۳۵۴: ۱۴۹). همچنین از بابت ارسال پیام اخطارآمیز مبنی بر «عدم میل به حيله و فریب کفره مخدوله» و آوردن شاهدی از سرنوشت «احوال تاتار قریم و قرال له»^۱ را باعث مزید آگاهی دانست (نصیری، ۱۳۵۴: ۱۴۹ و ۱۴۶). خان خوی در نامه به سلطان عثمانی هم اظهار داشت، چنانچه از جماعت روس-گرجی نسبت به ممالک عثمانی و ولایات آذربایجان سوءقصدی بروز نماید برحسب غیرت دینی و اوامر شریف سلطانی، عموم خوانین آذربایجان با همکاری پاشاهای عثمانی متحدالکلمه

۱. پادشاهی لهستان.

به مقابله قیام خواهند کرد (همان: ۱۵۰-۱۴۹ و ۱۴۶-۱۴۵).

احمدخان همانند عموم خوانین آذربایجان و داغستان در دیدار با سفیرای عثمانی، نگرانی خود را از جاه‌طلبی و سیاست توسعه‌طلبی خان تغلیس به پشتوانه حکومت روسیه به ضرر سرزمین‌های اسلامی بیان کرد و افزود «ما شاه و مددکاری نداریم و ملجأ و پناه ما دولت علیّه است» و خواستار کمک دولت عثمانی شد (Osmanli belgelerinde Karabağ, 2009: 404). همچنین، اقدام ارکلی‌خان در ساخت جاده نظامی آنانور را سبب «سلب امنیت جمیع اهل اسلام» و دغدغه مشترک خوانین آذربایجان و داغستان اعلام کرد. او به اتفاق سایر خوانین برای رفع این مسئله، پیشنهاد تسخیر تغلیس و نابودی جاده آنانور را با همکاری قوای عثمانی ارائه داد. در غیر این صورت، خواستار صدور فرمانی مبنی بر تعیین خانی از میان خوانین شد تا اهل اسلام تحت امر او از این غائله خلاصی یابند (Ibid).

جودت پاشا، احمدخان را از خان‌های مقتدر ایران و عثمان‌گرا معرفی کرده و با استناد به نامه او (۱۱۹۹ق/۱۸۷۵م) می‌نویسد، بر مقتضای وحدت اسلامی حمایت دولت عثمانی از اهالی ایران در مقابل روس‌ها، از نیازهای ضروری است و «الیوم مسقوها قوای و افری در تغلیس دارند و چنانچه دولت علیه دو هزار نیرو و مقداری توپ و مهمات به احمدخان ارسال نماید و امتیازی چون رتبه برای تمایز از سایرین به او اعطا کند، اهالی ایران نیز با مشاهده التفات و نظر دولت علیه، قوت قلب پیدا کرده و در موقع تجاوز دشمن در کنار احمدخان به مقابله قیام خواهند کرد» (جودت پاشا، ۱۲۹۶: ۲۰۳/۳-۲۰۲).

اما عثمانی‌ها با ملاحظه قرارداد کوچوک قینارجه (۱۱۸۸ق/۱۷۷۴م) و عدم ایجاد تنش با روس‌ها، از اعزام قوا خودداری و برای مایوس‌نکردن احمدخان به ارسال مهمات و اعطای رتبه بسنده کردند (همان). بدین ترتیب، احمدخان خوبی را عنصری مناسب برای اجرای سیاست طرح اتحاد اسلام در بین خوانین آذربایجان و داغستان تشخیص دادند و بر شدت ارتباط سیاسی با او افزودند. چنانچه بیشترین حجم مکاتبات و تردد ایلچی را با احمدخان انجام دادند. این‌گونه، سلطان عثمانی (۱۱۹۸ق/۱۷۸۴م) طی حکمی احمدخان را به‌عنوان مرکز خوانین آذربایجان و منصب سپهسالاری منطقه منصوب کرد (Osmanli belgelerinde Karabağ, 2009: 112) و «حکم به جمیع وزرای خود نوشت که از اطاعت امیر احمدخان دنبلی تجاوز نمایند» (نسخه خطی، شماره ۷۵۶۸: ۸۷).

در این حکم، سلطان او را مسن و ریش‌سفید خوانین آذربایجان خطاب کرد و از حسن نظر و عنایت دولت عثمانی به او خبر داد. همچنین ممالک آذربایجان را به جهت اتحاد دیانت اسلامی و هم‌جواری با دولت عثمانی، هم‌ملت دانست و از عنایت بی‌غایت خود در حق اهالی

آذربایجان سخن راند (Osmanli belgelerinde Karabağ, 2009: 111). ضمناً برحسب غیرت دینی و حمیت ملی، حراست و صیانت از آنان در مقابل دسایس دشمنان دین را بر ذمت همت خود ضروری دانست. سپس با اشاره به عقد معاهده ارکلی خان با روس‌ها، هدف آنان را جدایی خوانین آذربایجان از تقریب وفاق دولت عثمانی و متابعت اجباری از روس‌ها اعلام کرد و افزود: «در صورت تحقق این امر، دنیا و آخرتتان نابود خواهد شد» (Ibid).

از این رو هدف ارسال سفرا، مکاتبات و رونوشت نسخه قرارداد گئورگیوفسگ از طریق پاشاهای چلدر و بایزید به خوانین آذربایجان را هشدار و آگاهی خوانین از این مسئله دانست. سلطان سپس، احمدخان را خان صداقت‌نشان معظم‌الیه نامید و از وصول نامه او به دست فرستاده‌والی چلدر خبر داد و خاطر نشان کرد که تمام مطالب و سفارش‌های شفاهی او را به صورت کامل از طریق سفرا دریافت کرده است (Ibid).

سلطان عثمانی از صلابت دینی و غیرت احمدخان رضایت نشان داده و کمال دیانت، صداقت و درایت او را سبب شهرت نزد دولتمردان عثمانی دانست و انتخاب او به منصب سپهسالاری را به جهت ویژگی‌های چون مسجل بودن فداکاری او با جان و مال در راه دین و دولت عثمانی، داشتن ارتباط مستحکم با حکام آذربایجان و تبعیت آنان، رعایت مراسم نامه‌نگاری با پاشاهای عثمانی، غافل نبودن از دشمنان و حرکت آگاهانه در منطقه عنوان کرد (Ibid: 112). در صورت وقوع تهاجم از سوی ارکلی خان به ممالیک آذربایجان و عثمانی، بر ضرورت اعانت و همکاری با پاشاهای هم‌جوار را بر خان خوی تأکید و حمایت از بیضه اسلام را بر همه مؤمنان واجب دانست و اعلام کرد: «در این خصوص از جانب ما، قطعاً قصور و کوتاهی انجام نخواهد گرفت» (Ibid: 112-113).

سپس سلطان توقع خود را از احمدخان در دفع تهاجم دشمنان دین در میان خوانین آذربایجان بیان و تأکید کرد که از دوستی و ارتباط با دشمنان دین و دولت، امنیت و دوستی مأمول نگشته است و هدف واقعی آنان را از ابراز دوستی، نابودی بنیان دول اسلامی ذکر کرد (Ibid: 113). در انتها، خان خوی را به عدم دل‌بستگی و فریب دنیای فانی دعوت و اینکه در روز قیامت در محضر صاحب شفاعت حضرات خجول و شرمسار نگردیم، توجه به اعلای کلمه الله را بر همه مؤمنان واجب دانست و از تلطیف و اعزاز او با اعلام هدایای ارسالی، سخن خود را خاتمه داد (Ibid).

حتی سلطان عثمانی در نامه (۱۱۹۸ق / ۱۷۸۴م) به خان شیروان، در چرایی تفویض منصب سپهسالاری به احمدخان خوی، او را به سبب کبر سن و حکم ریش سفیدی خوانین آذربایجان، اشتها کمال دیانت و صداقت، ارتباط با خوانین آذربایجان و نامه‌نگاری مرتب با پاشاهای

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۳، شماره ۵۷، بهار ۱۴۰۲ / ۱۴۹

عثمانی، درایت و هوشیاری ستود و افزود: «فداکاری او با صرف جان و مال در راه اغور دین مبین و دولت علیه بر ما محتوم است» (Belegleri,1992: 108/1)؛ از این رو، «نام برده در بین خوانین آذربایجان به مثابه سرکرده و سپهسالار است» (Ibid).

خان خوی در جواب حکم سلطان عثمانی با ارسال عریضه (۱۱۹۸ق/۱۷۸۴م) با ابراز تشکر از ارسال نامه و عطیه همایونی، اعلام کرد که ارکلی خان از عقد معاهده با روس‌ها و ساخت جاده، مقاصد بزرگی در سر دارد. اگر «صورت تأدیب و گوشمالی خان تفلیس منظور نظر کیمیای اثر شاهانه باشد»، نام برده در کسوت سپهسالاری متعهد به اجرای اوامر شریف سلطانی است. او خود را حلقه اتصال همکاری و اتحاد خوانین آذربایجان با پشاهای عثمانی دانست (Osmanli belgelerinde Azerbaycan,2015: 186). احمدخان نیز متقابلاً همراه نامه هدایایی به سلطان عثمانی ارسال و اعلام کرد: «هرچند حضرت عالی شایسته اتحاف و هدایا نیست، لیکن به مجرد اینکه عریضه تهی و خالی نباشد، هدایایی تقدیم می‌گردد» (Ibid).

۲. کشف ماهیت نامه‌های روسی به حکام آذربایجان

ارسال نامه به خوانین آذربایجان، به وسیله روس‌ها و ناآگاهی خوانین از ماهیت استعماری روسیه از دغدغه‌های مهم عثمانی‌ها بود (جودت پاشا، ۱۲۹۶: ۲۰۰/۳ و ۱۹۸؛ Osmanli belgelerinde Karabağ,2009: 403). مقامات عثمانی، خبرهای ضدونقیضی از محتوای این نامه‌ها داشتند. چنانچه والی چلدر در واکنش به این مسئله، اظهار کرد: «لیکن حقیقت این امر تصحیح نشده است و با ورود جاسوس‌های ما از منطقه، صحت و سقم این امر بر سلطان عثمانی عرض خواهد شد» (Osmanli belgelerinde Azerbaycan,2015: 174). حتی صدراعظم عثمانی در گزارش (۱۱۹۸ق/۱۷۸۴م) به سلطان عثمانی بر ضرورت کسب اخبار صحیح تحولات قفقاز تأکید و صدور فرمانی برای تحقیق صحت خبر اعزام سفرای روسی نزد خوانین آذربایجان، کشف محتوای نامه‌ها و جواب خوانین را خاطر نشان کرد (Belegleri,1992: 120/1).

روس‌ها با مشاهده نفوذ و اقتدار احمدخان خویی، با اعزام سفیری توأم با هدایا خواستار روابط و همکاری او شدند (جودت پاشا، ۱۲۶۹: ۱۵۹/۱-۱۵۸). در اسناد روسی گزارشی از اعزام ایلیچی از سوی خان خوی نزد حاکم تفلیس آمده است (Armenians and Russia,2001: 310)، اما خان خوی با عنایت به روشننگری عثمانی‌ها از ماهیت استعماری روسیه و دعوت به اتحاد اسلام، به خواسته روس‌ها پاسخ منفی داد (جودت پاشا، ۱۲۹۶: ۲۰۰/۳). برخی از خوانین آذربایجان در واکنش به نامه و سفرای روسی، علی‌مراذخان زند را در

جریان امر گذاشته و خواستار رأی و امر او شدند (Belgeleri, 1993: 89/1; Belegleri, 1992: 66/2). حتی دولت عثمانی سعی کرد با ارسال نامه به علی مرادخان زند با افشای ماهیت همکاری خان تغلیس با روس‌ها و ادعای شاهی او بر ایران، او را در جریان تحولات گرجستان قرار دهند (Osmanli belgelerinde Karabağ, 2009: 403)، اما خان زند در این مقطع، گرفتار تحکیم پایه‌های حکمرانی‌اش بود و حاضر بود در مقابل شناسایی رسمی او به‌عنوان شاه ایران، با خواسته‌های سیاسی و تجاری روس‌ها کنار بیاید (Armenians and Russia, 2001: 313). حتی از طریق ارکلی خان از روس‌ها خواستار کمک شد. روس‌ها که برای دست‌درازی به ایران دنبال بهانه‌ای بودند، با ارائه برخی شرایط به او وعده کمک دادند (جودت پاشا، ۱۲۹۶: ۲۰۲/۳)؛ بنابراین دولت عثمانی برای اطلاع دقیق از ماهیت سفرای اعزامی روس به منطقه، کم‌وکیف قضایا را از احمدخان استعلام کرد (Belegleri, 1992: 120/1).

درضمن، عثمانی‌ها خبرهایی از تردد سفرای روسی از خاک ایروان و خوی به طرف علی مرادخان زند را هم داشتند (Armenians and Russia, 2001: 308). والی چلدر به امر دولت خود، سفرایی نزد حاکم خوی روانه کرد. بررسی صحت و سقم خبر ورود سفرا و هدایای روسی به خوانین آذربایجان و رایزنی با خان خوی درباره نحوه کیفیت رفتار با روس‌ها از اهداف مهم مأموریت سفرای عثمانی بود (Belegleri, 1992: 1/94; Belgeleri, 1993: 2/54). چنانچه سلیمان پاشا از دریافت نامه با عنوان مذکور، به دست احمدخان را به مقامات عثمانی خبر داد (Belegleri, 1992: 89/1; Belgeleri, 1993: 55/2).

در این نامه، خان خوی با تأیید خبر اعزام ایلچی از سوی ژنرال روسی نزد حکام منطقه افزود: «یکی از این ایلچیان روسی پس از اتمام مأموریت در قراباغ با هدایا و نامه روسی وارد خوی گردید» (Belgeleri, 1993: 72/2)، اما به سبب تحریر نامه به زبان روسی و ناآشنایی دربار خان خوی، مترجم ایلچی روس خود نامه را قرائت کرد. در این نامه، هدف مأموریت قوای روسی به گرجستان نظم امور ممالک جنوبی، انتظام دریای سیاه و کشتی‌رانی دریای خزر عنوان و اعلام شد: چون «والی گرجستان به پادشاه روس ملتجا و تحت حمایت روسیه است و در سلک خدمتگزاران دولت روسیه قرار دارد و حکومت روس نیز ملتزم به حمایت از او است. هرکس که با ارکلی خان دوستی کند با دولت روسی دوستی کرده و هرکسی که با او خصومت ورزد، دشمن روسیه است» (Ibid). در انتها خان خوی، با اشاره به ارسال هدایای روسی به خوانین آذربایجان از قبیل مقوله سمور و هدایای دیگر افزود: «به‌غیر از این موارد، اگر موردی باشد، البته نام‌برده بر مقتضای اتحاد مذهب شما را در جریان خواهم گذاشت» (Ibid).

۳. شاهزاده صفوی و درگیری خوانین

بسیج عمومی از قوای حکام آذربایجان و داغستان تحت شعار اتحاد اسلام، مشکلاتی داشت. به‌رغم اعلام آمادگی حکام آذربایجان به پیروی از حکم سلطان عثمانی و انجام خدمات نظامی علیه دشمنان اسلام، خود گرفتار رقابت‌های محلی بودند (Belgeler, 1993: 66-67/2). در واقع، این خوانین منافع فردی را بر سایر اولویت‌ها ترجیح می‌دادند. بازیگران اصلی تحولات آذربایجان پس از مرگ کریم‌خان زند (۱۱۹۳ق/۱۷۷۹م)، خوانین خوی، قبه و قراباغ بودند. این سه حوزه قدرت برتر محلی، در اغلب حیات سیاسی خودشان در حال کشمکش و ائتلاف‌بندی شکننده، جهت ختنی کردن طرح‌های توسعه‌طلبی و مطامع سیاسی همدیگر بودند. درگیری و ستیز دائمی با یکدیگر، وجه بارز ویژگی این خان‌های محلی بود. والی چلدر راجع به این مسئله به سلطان عثمانی می‌نویسد: «بر طبق امر و اشعار همایونی، نام‌برده به هر یک از خوانین آذربایجان نامه‌های مخفی تحریر و آنان را به غیرت دینی تشویق نمود، لیکن ممالک ایران شاه مستقل ندارند و مابین خودشان هم اتحادی در کار نیست و همواره گرفتار خصومت و اختلاف‌اند و به سبب ضعف قوت، توانایی مقاومت با دشمن را ندارند و در صورت مشاهده قوت قاهره دولت علیه در آن حوالی، بر حسب غیرت دینی به دولت علیه میل خواهند داشت» (Belgeler, 1993: 66-67/2; Osmanli belgelerinde Karabağ, 2009: 108).

احمدخان که از کفایت رأی در حکم صاحب‌اختیار و کدخدای آذربایجان بود (دنبلی، بی تا: ۱۰۸؛ دنبلی، ۱۳۵۰: ۲/۲۵۰) به دو قدرت محلی فوق، اجازه مداخله در امور آذربایجان را نمی‌داد. چنانچه پیش‌تر اندیشه قدرت‌طلبی و ادعای سلطنت امام‌قلی‌خان افشار حاکم اورمیه را با ایجاد ائتلافی از حکمرانان خاندان دنبلی خاتمه داده بود (اشتهاردی، بی تا: ۵۰؛ دنبلی، بی تا: ۱۰۸؛ نسخه خطی، شماره ۷۵۶۸: ۱۷۰)، اما فتحعلی‌خان حاکم قبه با سودای تشکیل حکومت واحد، وارد حوزه بلامنازع احمدخان شد. خان قبه، با علم کردن شخصی به نام عباس میرزا و با ادعای انتساب به خاندان صفوی، اقتدار خان خوی را در آذربایجان به چالش کشید. او نخست به طرق سیاسی سعی کرد این شاهزاده را به‌عنوان شاه قانونی ایران به دولت عثمانی و خوانین خوی و قراباغ بقبولاند، حتی نامه‌ای با این موضوع به والی چلدر هم نوشت (Osmanli belgelerinde Karabağ, 2009: 108).

همچنین با اعزام پیکی به احمدخان، خواستار شناسایی خود به‌عنوان شاه برآمد (نادر میرزا، ۱۳۶۰: ۱۵۰). عثمانی‌ها راجع به ماهیت این شاهزاده صفوی، اخبار صحیحی نداشتند و از احتمال دست‌داشتن روس‌ها در پشت این قضیه نیز نگران بودند؛ چون والی چلدر پیش‌تر اخباری از طرح روس‌ها به‌منظور کمک به استقرار فردی مدعی شاهی به تاج‌وتخت ایران در

اختیار داشت و اهداف آنان از این طرح را اخذ امتیازهای سیاسی و تجاری به نفع حکومت روسیه و واردکردن ایران به ائتلاف با روس علیه عثمانی می‌دانست (Belgeler, 1992: 89/1; Belgeler, 1993: 66/2).

سلیمان پاشا (۱۱۹۷ق / ۱۷۸۳م) با اعلام دریافت نامه با موضوع شاهزاده عباس میرزا از حاکم قبه به دربار استانبول اظهار داشت: «حقیقت میرزای نام‌برده بر والی چلدر مبهم است» و از واکنش علی‌مرادخان زند به این مسئله نیز اظهار بی‌اطلاعی کرد (Belgeler, 1993: 56,65/2)، اما بنا به دستور مقامات عثمانی، برای بررسی صحت این قضیه و استفسار حقیقت حال شاهزاده صفوی، افرادی را نزد حکام خوی و قراباغ روانه کرد (Belgeler, 1993: 65/2; Osmanli belgelerinde Karabağ, 2009: 108).

خان خوی نیز، با ارائه گزارشی از حضور شخصی در قبه و از ادعای انتساب این فرد به سلالة خاندان صفوی سخن راند و افزود: «او در نزد فتحعلی‌خان است و واکنش خوانین ایران به پذیرش یا نفی او هنوز معلوم نیست» (Belgeler, 1993: 73/2). تاکنون نیز هیچ اقدام و حرکتی انجام نداده است و «زین پس به هر وجهی که اقدام به حرکت و عزیمت نماید» به اطلاع شما خواهد رسید (Ibid).

البته فتحعلی‌خان که «صدر دولت را طالب و مرتبه شروانشاهی یافته» بود (دنبلی، بی‌تا: ۱۱۴)، برای اعلام شاهی عباس میرزا، اردبیل را که در حکم خاستگاه خاندان صفوی بود، تصرف کرد. لیکن این اقدام او، با واکنش منفی احمدخان و خان قراباغ مواجه شد (باکیخانوف، ۱۳۸۳: ۱۹۳؛ Osmanli belgelerinde Karabağ, 2009: 118-119). حتی خان خوی (۱۱۹۹ق / ۱۷۸۵م)، حاکم تبریز را به سبب همراهی با طرح فتحعلی‌خان و تشبث به ذیل دولت زندیه، از حکمرانی عزل کرد (دنبلی، بی‌تا: ۱۱۶؛ نسخه خطی، شماره ۷۵۶۸: ۱۷۰؛ اشتهاردی، بی‌تا: ۵۱).

در حین محاصره تبریز، ایلیچی فتحعلی‌خان قبه وارد شد و «کاغذی آورد به این مضمون که به جهت هم‌سلسلگی شیروان، شاه سلسله شما اظهار می‌دارم که امروز در ایران کسی نمانده است مرا بیا و شاهی قبول نمایید که تمامی شیروان و داغستان آن را دارم» (نسخه خطی، شماره ۷۵۶۸: ۱۷۰)، اما طرح او به علت عدم استقبال خوانین آذربایجان، دولت عثمانی و مخالفت روسیه به شکست انجامید (Osmanli belgelerinde Karabağ, 2009: 118-119).

۴. محافظت از قلعه ایروان

محافظت از قلعه ایروان، از مسائل مهم برای رایزنی حکومت عثمانی با احمدخان خویی بود.

حکمرانی ایالت ایروان در اختیار خاندان حکومتگر محلی قاجار قرار داشت (باکیخانوف، ۱۳۸۳: ۱۹۷). این ایالت به سبب هم‌جواری با عثمانی و گرجستان، از موقعیت جغرافیایی خاصی برخوردار بود. عثمانی‌ها هم به همین دلیل، اهمیت خاصی برای ایالت ایروان قائل بودند (عزیزنژاد و دیگران، ۱۳۹۳: ۹۵) و قلعه آن را با تعبیر «مفتاح ابواب قلاع بلاد آذربایجان، روم و ایران» یاد می‌کردند (قدسی ایروانی، بی‌تا: ۱۱۳). چنانچه در نامه‌های پیاپی به حکام آذربایجان و داغستان، مکرر بر حفظ و حراست قلعه ایروان تأکید می‌کردند و خواستار همکاری آنان با پادشاهای عثمانی در مقابل تجاوز احتمالی خان تفلیس بودند (قدسی ایروانی، بی‌تا: ۱۱۴-۱۱۳؛ Osmanli belgelerinde Karabağ, 2009: 112,411). سقوط ایروان، به منزله تهدید مرزهای شرق آناتولی بود. روس‌ها نیز از این موقعیت ایروان در هم‌جواری عثمانی آگاه بودند (عزیزنژاد و دیگران، ۱۳۹۳: ۹۵).

ارکلی‌خان، ایروان را بخشی از خاک تاریخی گرجستان می‌دانست و به‌رغم تمایل بر تصرف ایروان، به سبب ترس از کریم‌خان زند و حمایت عثمانی‌ها از خاندان قاجار، جانب احتیاط را رعایت می‌کرد (عزیزنژاد، ۱۳۹۵: ۶۶)، اما در سال (۱۱۹۳ق/۱۷۷۹م) از مرگ کریم‌خان استفاده و به ایروان حمله برد (Yerevantsi, 1958: 387). به نوشته دنبلی «خان تفلیس که پیوسته دست تجاوز به قلمرو ایروان داشت و به مداخل حاکم ایروان طمع داشت از مرگ خان زند استفاده و ایروان را آماج تهاجم قرار داد» (دنبلی، ۱۳۵۰: ۲۰۹/۲؛ دنبلی، بی‌تا: ۹۳)، اما درخواست کمک حسینعلی‌خان قاجار (حک: ۱۱۷۲-۱۱۹۷ق/۱۷۵۹-۱۷۸۳م) حاکم ایروان، از خویشاوند خود احمدخان و انتشار خبر تدارک قوای آذربایجان، به عقب‌نشینی گرجی‌ها از ایروان منتهی شد (دنبلی، ۱۳۵۰: ۲۱۰/۲؛ دنبلی، بی‌تا: ۹۴).

لیکن حاکم ایروان متعاقب معاهده گنورگیوفسگ با مشاهده تغییر موازنه قوا و اقتدار حاکم گرجی، درصدد بهبود روابط با ارکلی‌خان آمد (Gvosdev, 2000: 61). او به نشانه حسن‌نیت، از قبول سفیر و هدایای عثمانی امتناع کرد و سیاست دنباله‌روی خود از خان تفلیس را به اطلاع احمدخان رساند (قدسی ایروانی، بی‌تا: ۹۲-۹۱). حتی خان ایروان با استقبال از فرستاده روس، اجازه نقشه‌برداری از قلعه ایروان را به روس‌ها داد (جووت پاشا، ۱۲۹۶: ۱۲۳/۲)، اما مرگ حسینعلی‌خان قاجار (۱۱۹۷ق/۱۷۸۳م) و به‌دنبال آن حکمرانی کوتاه‌مدت فرزندش غلامعلی‌خان و قتل او، حکمرانی خاندان قاجار را با اعیان و سران محلی گرفتار اختلاف و چالش کرد (قدسی ایروانی، بی‌تا: ۸۷).

این مسئله به بروز ناآرامی و ناامنی در ایروان دامن زد و سبب نگرانی عثمانی‌ها از احتمال سوءاستفاده گرجی‌ها با کمک قوای روسی از این وضع شد (Belegleri, 1992: 92/1). حتی

مقامات عثمانی، احتمال نقش پنهانی ارکلی خان در قتل غلامعلی خان را مطرح می‌کردند. این بحران سبب شد تا نامه و هدایای سلطان عثمانی به حاکم ایروان تا برقراری مجدد امنیت در ایالت بایزید متوقف شود (Ibid: 111-112/1).

حفظ و حراست از قلعه ایروان و نحوه همکاری با همدیگر، از محورهای گفت‌وگوی مقامات عثمانی با خان خوی بود (Ibid: 92/1). دولت عثمانی با ملاحظه قرارداد مصالحه (۱۵۹۱ق/۱۷۴۶م) با نادرشاه افشار، به پاشاهای بایزید و قارص هم‌جوار با ایروان اجازه مداخله در امور داخلی را نداد (Belegleri, 1993: 71/2). در مقابل به شکل غیرمستقیم با حمایت از خان خوی، خواستار ممانعت از نفوذ و سلطه گرجی‌ها در ایروان شد (عزیزنژاد، ۱۳۹۵: ۹۳). یکی از علل اصلی تفویض منصب سپهسالاری به احمدخان خویی، همکاری با حکام آذربایجان و پاشاهای عثمانی جهت مقابله با سقوط قلعه ایروان بود (قدسی ایروانی، بی‌تا: ۱۱۴-۱۱۳).

والی چلدر بنا به توصیه‌های اکید سلطان عثمانی برای حراست از قلعه ایروان، پیکی نزد خان خوی فرستاد و خواستار اقدام مشترک با پاشای بایزید برای حل مسئله مزبور شد (Belegleri, 1992: 114/1). خان خوی با تبعیت از اوامر سلطان عثمانی، بحران ایروان را از نزدیک با همکاری پاشاهای قارص و بایزید رصد کردند و خبرهای تحولات جاری ایروان را با یکدیگر به اشتراک گذاشتند تا در صورت احتمال مداخله خان تفلیس با هماهنگی هم اقدام مناسبی انجام دهند (Ibid: 110-111).

احمدخان با حربه و صلت سیاسی، محمدخان قاجار را به حکمرانی ایروان برگزید و او را تحت نفوذ خود درآورد (قدسی ایروانی، بی‌تا: ۱۲۶) و با برقراری امنیت، اوامر و عطیه همایونی را به دست ایلچی خود و خزینه‌دار پاشای بایزید به محمدخان قاجار ایروانی تحویل داد (قدسی ایروانی، بی‌تا: ۱۱۶-۱۱۳؛ Belegleri, 1992: 111-113/1). محمدخان قاجار و بزرگان دربار ایروان، در پاسخ به نامه خان خوی و پاشای بایزید اعلام کردند: «تا در قید حیات هستیم امری محال است که قلعه ایروان را به خان تفلیس دهیم و بر هر حيله و مکر او هم واقف هستیم» (Belegleri, 1992: 115/1).

اقدام به موقع خان خوی با همکاری پاشای بایزید، نقشه خان تفلیس را منتفی کرد (Ibid: 112, 115/1). پاشای بایزید درباره نقش احمدخان در قضیه بحران جانشینی ایروان به دربار استانبول می‌نویسد: «احمدبیگ خان خوی، داماد خان ایروان شده است و خان ایروان که زبون ارکلی خان است با تدبیر پدرزنش^۱ جلوی وعده‌های ملایم سفرای ملبس روسی را

۱. محمدخان ایروانی داماد احمدخان خویی بود (قدسی ایروانی، بی‌تا: ۱۲۶).

گرفت» (Ibid: 96/1).

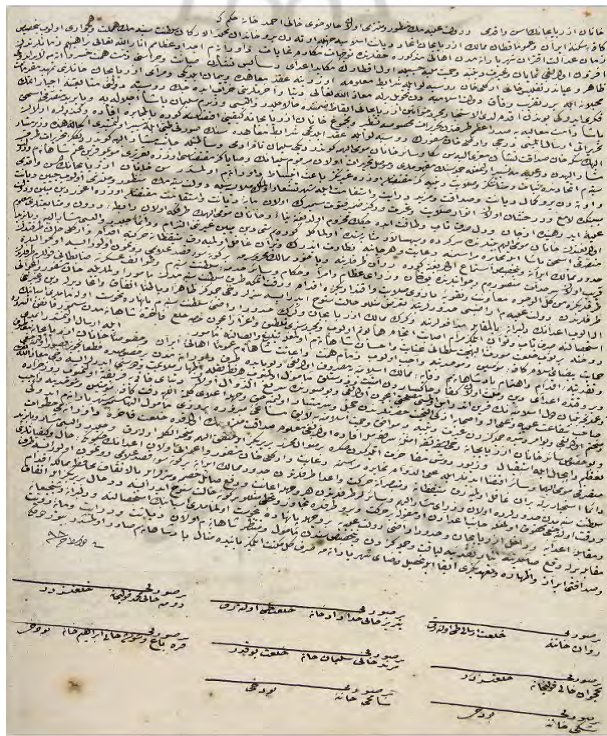
احمدخان در جواب نامه والی چلدر، درخصوص محافظت قلعه ایروان اظهار داشت: «بر طبق فرمایش حضرت عالی، نام برده به اتفاق پاشای بایزید در حفظ قلعه اهتمام عمل آورده و تاکنون نیز سوء قصدی علیه ایروان مترتب نیست و به رغم این باز بر استحکام آن افزوده و برای عدم غفلت از حيلة خان تغلیس، کمال احتیاط و اهتمام به عمل آمده است» (Belegleri, 1992: 116/1). همچنین به سلیمان پاشا خاطر نشان کرد: «در باب الکاء ایروان همین که از مصدر جاه و جلال صدراعظم مقرر شده بود دوستدار حسب المقرر اعزه و اعیان ایروان را در کمال اطمینان مستمال و خاطر جمع نموده نوعی امیدواری حاصل که ان شاء الله تعالی مادام الحیات فریفته خدعه و حیل کفره فجره نگردیده به دعاگویی از دیاد عمر و دولت و اقبال لایزال پادشاه عالم پناه قیام و اقدام خواهند نمود» (نصیری، ۱۳۵۶: ۱۱۸).

احمدخان، برای رفع تردیدهای عثمانی ها، نقش خان تغلیس در قتل غلامعلی خان را تکذیب و بدمعاشرتی و سوء رفتار او را عامل قتل توسط اهالی ایروان ذکر کرد (Belegleri, 1992: 119/1). والی ارض روم برای محافظت از قلعه ایروان با توضیح اینکه خان جدید ایروان [محمدخان قاجار] «حدیث السن و عدم اللیاقه» است و «نبایستی به انتظار تجاوز دشمن نشست»، سه پیشنهاد از قبیل تدارک انتظام قوی قلعه، نظارت دائمی با همکاری خان خوی یا واگذاری قلعه را به صورت امانت به دولت عثمانی را به سلطان عثمانی ارائه کرد (Osmanli belgelerinde Azerbaycan, 2015: 184).

نتیجه گیری

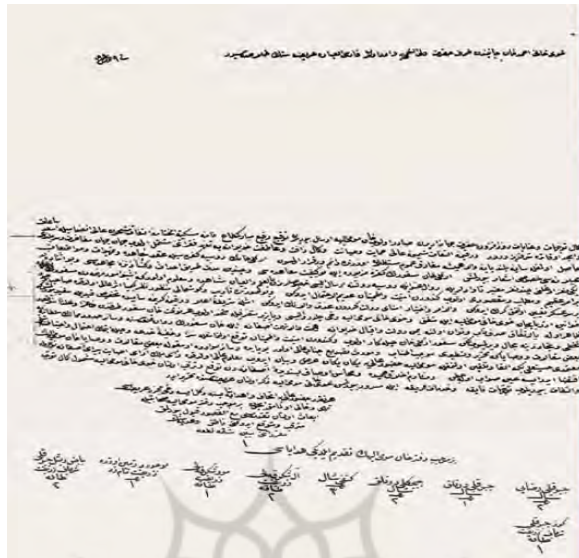
احمدخان خویی در میان حکام آذربایجان به جهت داشتن امتیازهایی چون ارتباط و تبعیت خوانین آذربایجان، وفاداری به اوامر حکومت عثمانی و همکاری مستمر با پاشاهای مرزی از جایگاه مهمی در سیاست اتحاد اسلام عثمانی ها برخوردار بود. با وجود آنکه وی فردی متشرع و شیعی مذهب بوده، در معادلات سیاسی آن زمان، هم پیمان عثمانی بود. علایق مذهبی احمدخان، تعارضی با رویه سیاسی او در طرح اتحاد اسلام عثمانی نداشت، همان طور که خوانین دیگری هم در منطقه بودند که صرف نظر از گرایش های مذهبی در این طرح مشارکت داشتند. امتیازات سیاسی احمدخان و داشتن کبر سن که در حکم کدخدای آذربایجان بود، جایگاه او را با دریافت منصب سپهسالاری از دولت عثمانی بیش از پیش ارتقا بخشید. او با اخذ این لقب در کسوت فرمانده حکام آذربایجان، مجری سیاست های منطقه ای عثمانی علیه روس-گرجی شد. چنانچه سطح همکاری او با دولت عثمانی برخلاف دیگر حکام محلی، از

سطح تبادل سفرا و مکاتبات فراتر رفت و وارد حوزه همکاری عملی متقابل در برابر دشمنان اسلام شد. نمونه عینی همکاری مشترک دو طرف را می توان به کشف ماهیت سفرای روسی به خوانین آذربایجان، تبادل و اشتراک اخبار تحولات منطقه آذربایجان با عثمانی ها دانست. لیکن محافظت از قلعه ایروان از تهدید گرجی های متفق روسیه، مصداق بازرسی از همکاری مشترک اطلاعاتی-نظامی احمدخان با پاشاهای عثمانی بود. این روابط و اخذ امتیازهای سیاسی از دولت عثمانی جایگاه او را از سطح حکام محلی به قدرت برتر منطقه و مدعی حکومت ترقی داد. امری که از اهداف حاکم خوی در پیوستن به طرح اتحاد عثمانی بود. عثمانی ها در آستانه جنگ با روس ها امید زیادی به اقتدار و نفوذ احمدخان به همکاری و مقابله با سیاست اشغالگری گرجی ها در قفقاز داشتند، اما قتل او در توطئه خانوادگی (۱۲۰۰ق/۱۷۸۶م) نقشه آنان را متفی کرد.



حکم سلطان عثمانی به احمدخان خویی (۱۱۹۸ق/۱۷۸۴م) با موضوع اعطای رتبه سپهسالاری (Osmanli belgelerinde Karabağ)

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۳، شماره ۵۷، بهار ۱۴۰۲ / ۱۵۷



نامه احمدخان خوبی همراه با هدایا به سلطان عثمانی (۱۱۹۸ق/۱۷۸۴م) با موضوع اعلام آمادگی بر همکاری با پاشاهای عثمانی در صورت وقوع تجاوز حاکم تفلیس و روسها به خاک اسلام (Osmanli belgelerinde Azerbaycan)



گزارش حاکم موش عثمانی (۱۱۹۸ق/۱۷۸۴م) از درگیری احمدخان خوبی با فتحعلی خان حاکم قبه در قضیه شاهزاده صفوی (Osmanli belgelerinde Karabagh)

منابع

الف. کتاب‌ها و مجلات

- آقاسی، مهدی (۱۳۵۰) *تاریخ خوی*، تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- اسنادی از روابط ایران و روسیه (*از صفویه تا قاجاریه*) (۱۳۸۷) ترجمه رحیم مسلمانیان قبادیانی و بهروز مسلمانیان قبادیانی، تهران: وزارت امور خارجه.
- باکیخانوف، عباسقلی آقا (۱۳۸۳) *گلستان ارم*، تهران: ققنوس.
- بدلیسی، شرف‌خان (۱۳۷۳) *شرف‌نامه*، به تصحیح محمد عباسی، تهران: حدیث.
- بیگ‌محمدی، بهنام (۱۳۹۲) «نقش دنبلیان خوی در روابط ایران و عثمانی (از تشکیل صفویه تا اوایل قاجار)»، *تاریخ روابط خارجی*، ۱۵(۵۷)، ۱-۱۱۷.
- ترکمان، اسکندربیگ منشی (۱۳۷۷) *عالم‌آرای عباسی*، جلد ۲، به تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.
- جویدت پاشا، احمد (۱۲۹۶) *تاریخ جویدت*، جلد ۱ و ۲ و ۳، استانبول: مطبعة عامره سی.
- _____ (۱۳۰۷) *قریم و قفقاس تاریخچه سی*، قسطنطنیه: مطبعة ابوالضیا.
- حجتی، صادق (۱۳۸۹) *تاریخ سیاسی-اجتماعی ایل دنبلی (تا شورش ۱۲۱۴ق)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشکده تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- دنبلی، عبدالرزاق بیگ (۱۳۵۰-۱۳۴۹) *تجربه الاحرار و تسلیه الابرار*، جلد ۱ (۱۳۴۹) / جلد ۲ (۱۳۵۰)، به تصحیح حسن قاضی طباطبایی، تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- راسم، احمد (۱۳۲۹-۱۳۲۷) *رسمی و خریطلی عثمانلی تاریخی*، جلد ۳، استانبول: اقبال کتابخانه سی حسین.
- ریاحی، محمدامین (۱۳۷۲) *تاریخ خوی*، تهران: توس.
- شیروانی، حاجی زین‌العابدین (بی تا) *بستان السیاحه*، تهران: سنایی.
- عزیزنژاد، محمد؛ دهقانی، رضا (۱۳۹۳) «روابط خانان ایروان با گرجی‌ها و نقش قدرت‌های پیرامونی در دوره حکمرانی حسینعلی خان قاجار ایروانی»، *تاریخ ایران*، ۷۴(۵)، ۸۹-۱۱۲.
- عزیزنژاد، محمد؛ جعفرنیا، فاطمه (۱۴۰۱) «روابط ابراهیم خلیل‌خان جوانشیر قراباغی با حکومت عثمانی»، *تاریخ اسلام و ایران*، دانشگاه الزهرا (س)، ۳۲(۵۴)، ۱۱۲-۸۳.
- عزیزنژاد، محمد (۱۳۹۵) *مناسبات خان‌های ایروان با حکومت‌های ایران، عثمانی، روسیه و گرجستان از پایان دولت نادرشاه افشار تا عهدنامه ترکمانچای (۱۲۴۳-۱۱۶۰ق/۱۸۲۸-۱۷۴۷م)*، رساله دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز.
- _____ (۱۳۹۸) «مواضع حسینعلی خان قاجار ایروانی در اختلاف دولت عثمانی و کریم‌خان زند در مسئله بصره (۱۱۸۰-۱۱۹۳ق)»، *تاریخ روابط خارجی*، ۲۱(۸۱)، ۵۴-۲۹.
- غفاری کاشانی، ابوالحسن (۱۳۶۹) *گلشن مراد*، به تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: زرین.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۳، شماره ۵۷، بهار ۱۴۰۲ / ۱۵۹

نادر میرزا (۱۳۶۰) تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز، به تصحیح محمد مشیری، تهران: اقبال. نصیری، محمدرضا (۱۳۵۴) «چند سند تاریخی از دوره زندیه و قاجاریه»، بررسی های تاریخی، ۱۰(۶)، ۱۶۹-۱۳۵.

_____ (۱۳۵۶) «چند سند تاریخی از دوره زندیه»، بررسی های تاریخی، ۱۲(۳)، ۱۱۸-۹۳. _____ (۱۳۸۴) «مناسبات خانان آذربایجان با دولت عثمانی در اواخر دوره زندیه»، پیک نور، ۳(۵)، ۷۴-۶۳.

وان تاریخی و کوردلر حقنده تتبعات (۱۹۲۸) استانبول: مطبعة ابوالضیا.

ب. نسخه های خطی

اشتهاردی، محمدحسن بن عبدالکریم (بی تا) تذکرة الدنابلہ، نسخه خطی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۸۳۴۵.

دنبلی، عبدالرزاق بیگ (بی تا) حدائق الجنان، نسخه خطی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۷۶۴۲۵.

قدسی ایروانی، محمدمسلم (بی تا) مکاتبات حسینعلی خان قاجار ایروانی، نسخه خطی، مؤسسه علوم تاریخی باکیخانوف آذربایجان، شماره میکروفیلم ۷۴۱۵.

نویسنده نامعلوم، عنوان نامعلوم، نسخه خطی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره میکروفیلم ۷۵۶۸.

Armenians and Russia(1626-1796) adocumentary record(2001), Translation by George Bournoutian, USA: Mazda Publishers.

Atkin, Muriel(1988), Russian Expansion in the Caucasus to1813, in M.Rywkin(ed.), Russian Colonial Expansion to 1917, London & New York: Mansell Publishing Limited.

Baddeley, John(1908), The Russian Conquest of the Caucasus, London:Longmans,Green and Co.

Çakmak, Mehmet Ali(1998), Hoy Hanlığı ve Osmanlı Devletinin Bu Hanlıkla İlişkileri, Türk Kültürü,Ankara.

Gvosdev,Nikolas(2000),Imperial Policies and Perspectives Towards Georgia1760-1819, London:Macmillan.

Nusel,Emre(2015),Osmanli-Rus savaşında Kafkas Hanliklerinin faaliyetleri(1787-1792), Yüksek lisans tezi,Trakya Üniversitesi.

Osmanli belgelerinde Azerbaycan(2015), TDBB yayinlari Araştırma inceleme, İstanbul.

Osmanli belgelerinde Karabağ(2009), Osmanlı Arşivi Daire Başkanlığı, İstanbul.

Osmanlı devleti ile Azerbaycan Türk Hanlıkları Arasındaki Münasibetlere Dair Arşiv Belgeleri(1578-1914),(1992),C.I,Osmanlı Arşivi Daire Başkanlığı,Ankara.

Osmanlı devleti ile Azerbaycan Türk Hanlıkları Arasındaki Münasibetlere Dair Arşiv Belgeleri(1575-1918),(1993),C.II,Osmanlı Arşivi Daire Başkanlığı,Ankara.

Tolmachev, E.p(2003), Russia's Annexation of the Caucasus, Russian Social Science Review, Vol.44, No.2.

Werner, Christoph(2000), An Iranian Town in Transition (A Social and Economic History of the Elites of Tabriz 1747-1848), Wiesbaden.

Yerevantsi, Simeon(1958), Jambr, Yerevan: Mughni Hratarakchutyun.

List of sources with English handwriting

- Agassi, Mehdi. (1971). *TārīḲ-e Ḳoy*. Tabriz: Institute for History and Culture of Iran. [In Persian]
- Armenians and Russia (1626-1796) adocumentary record. (2001)*. Translation by George Bournoutian. USA: Mazda Publishers.
- Atkin, Muriel. (1988). *Russian Expansion in the Caucasus to1813*. in M.Rywkin (ed.). Russian Colonial Expansion to 1917. London & New York: Mansell Publishing Limited.
- Aziznejad, M. & Dehgjani, R. (2014). Relations of Khanate of Yerevan with Georgians and the Role of the Peripheral Powers on the Rule of Hossein Ali Khan Qajar Yerevani. *Iran history*. No 74/5, pp.89-112. [In Persian]
- Aziznejad, M. & Jafariya, F. (2022). Ibrahim Khalil Khan Javanshir Karabaghi's relations with the Ottoman government. *Quarterly Journal of History of Islam and Iran*. Vol 32. No 54, pp.83-112. [In Persian]
- Aziznejad, M. (2015). *the relations of the khans of Yerevan with the governments of Iran, Ottoman, Russia and Georgia from the end of Nader Shah Afshar's government to the Treaty of Turkmanchai (1160-1243 AH/1747-1828 AD)*. doctoral thesis. Tabriz University. [In Persian]
- Aziznejad, M. (2018). The positions of Hossein Ali Khan Irvani in the dispute between the Ottoman government and Karim Khan Zand on the issue of Basra (1180-1193 A.H.). *Quarterly Journal of Foreign Relations*. Year 21. No 81, pp. 54-29. [In Persian]
- Baddeley, John. (1908). *The Russian Conquest of the Caucasus*. London: Longmans Green and Co.
- Badlisi, Sharaf Khan. (1994). *Sharaf nameh*. (ed.). Mohammad Abbasi. Tehran: Hadith. [In Persian]
- Bakikhanov, Abbas Qoli Aqa. (2004). *Golestan-e Eram*. Tehran: Qoqnous. [In Persian]
- Beg Mohammadi, B. (2013). The Role of Khoy Donbolian in Iran-Ottoman Relations. *Quarterly Journal of Foreign Relations*. Year 15. No 57, pp.1-17. [In Persian]
- Çakmak, Mehmet Ali. (1998). Hoy Hanlıḡı ve Osmanlı Devletinin Bu Hanlıkla İlişkileri. *Türk Kültürü*. Ankara. [In Turkish]
- Cevdet Paşa, Ahmed. (1879). *TârīḲ-i Cevdet*. Istanbul: Matbaa-i Amire. [In Turkish]
- Cevdet Paşa, Ahmed. (1890). *Kırım ve Kafkas Tarikhçesi*. Istanbul: Matbaa-i Abu al-Ziyah. [In Turkish]
- Documents of the relations between Iran and Russia (from Safavid to Qajar)*. (2008), translated by Rahim Mosalmanian Qobadiani & Behrouz Mosalmanian Qobadiani, Tehran: Ministry of Foreign Affairs. [In Persian]
- Donboli, Abd al-Razzaq Beg. (1970). *Tajrebat al-Ahrar va Tasleyat al-Abrar*. Vol 1. (ed.). Hassan Qazi Tabatabai. Tabrzi: Institute of History and Culture of Iran. [In Persian]
- Donboli, Abd al-Razzaq Beg. (1971). *Tajrebat al-Ahrar va Tasleyat al-Abrar*. Vol 2. (ed.). Hassan Qazi Tabatabai. Tabrzi: Institute of History and Culture of Iran. [In Persian]
- Donboli, Abd al-Razzaq Beig. (No data). *Hadaigh Al-Jannan*. Manuscript of the Library of the Islamic Consultative Assembly. No 76425. [In Persian]
- Eshtehardi, M. H. (no data). *Tazkereh Al-Danabaleh*. Manuscript of the Library of the Islamic Consultative Assembly. No 8345. [In Persian]
- Ghaffari Kashani, Abo'l-Hasan. (1960). *Golshan-e Morad*. (ed.). Gholam Reza Tabtabaei Majd. Tehran: Zarrin. [In Persian]
- Gvosdev, Nikolas. (2000). *Imperial Policies and Perspectives Towards Georgia 1760–1819*. London: Macmillan.
- Hojjati, Sadiq. (2010). *Socio-political history of Donboli tribe (until the revolt of 1214 AH)*. Master's thesis. Research Institute of Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
- Nader Mirza. (1981). *Tarikh va Joghrafiya-e Dar al-Saltaneh-ye Tabriz*. (ed.). Mohammad Moshiri. Tehran: Iqbal. [In Persian]
- Nasiri, M.R. (2005). The relations of the Azerbaijani Khanate with the Ottoman government at the end of the Zandid period. *Journal of Peyk Noor*. vol 3. No 5, pp.63-74. [In Persian]
- Nasiri, M.R. (1975). Some historical documents from the Zandid and Qajar period. *Journal of Historical Studies*. Year 10. No 6, pp.135-169. [In Persian]
- Nasiri, M.R. (1977). Some historical documents from the Zandid period. *Journal of Historical*

- Studies*. Year 12. No 3, pp.93-118. [In Persian]
- Nusel, Emre. (2015). *Osmanli-Rus savařında Kafkas Hanlıklarının faaliyetleri (1787-1792)*. Yüksek lisans tezi. Trakya Üniversitesi. [In Turkish]
- Osmanli belgelerinde Azerbaycan*. (2015). TDBB yayinlari Arařtırma inceleme. İstanbul. [In Turkish]
- Osmanli belgelerinde Karabağ*. (2009). Osmanlı Arřivi Daire Bařkanlıđı. İstanbul. [In Turkish]
- Osmanlı devleti ilâ Azerbaycan Türk Hanlıkları Arasındaki Münasibetlere Dair Arřiv Belgeleri (1578-1914)*. (1992). C.I. Osmanlı Arřivi Daire Bařkanlıđı. Ankara. [In Turkish]
- Osmanlı devleti ilâ Azerbaycan Türk Hanlıkları Arasındaki Münasibetlere Dair Arřiv Belgeleri (1575-1918)*. (1993), C.II. Osmanlı Arřivi Daire Bařkanlıđı. Ankara. [In Turkish]
- Qudsi Irvani, Mohammad Muslim. (no data). *Correspondence of Hossein Ali Khan Qajar Irvani*. Manuscript of Bakikhanov Institute of Historical Sciences of Azerbaijan. No 7415. [In Persian]
- Rasim Effendi, Ahmed. (1909-1911). *Resimli ve Kharitali Osmanli Tarikhi*. Istanbul: Sahib ve Nâşiri Hüseyin. [In Turkish]
- Riahi, M. A. (1993). *Tarikh-e Khoy*. Tehran: Toos Publication. [In Persian]
- Shirvani, H. Z. A. (no data). *Bostan al-Siyaha*. Tehran: Sanaei. [In Persian]
- Tolmachev, E.p. (2003). Russia's Annexation of the Caucasus. *Russian Social Science Review*. Vol 44. No.2.
- Torkaman, Eskandar Beg Monshi. (1999). *Tarikh-e 'Alam-ara-ye 'Abbasi*. (ed.). Mohammad Esmayil Rezvani. Tehran: Donyay-e Ketab. [In Persian]
- Unknown author. (no data). *unknown title*, manuscript Tehran University Central Library. No 7568. [In Persian]
- Van Tarihi ve Kürtler hakkında tetebbuat*. (1928). Istanbul: matbaa-i ebüzziya. [In Turkish]
- Werner, Christoph. (2000). *An Iranian Town in Transition (A Social and Economic History of the Elites of Tabriz 1747-1848)*. Wiesbaden.
- Yerevantsi, Simeon. (1958). *Jambr*. Yerevan: Mughni Hratarakchutyun.

References in English

- Armenians and Russia(1626-1796)adocumentary record(2001)*, Translation by George Bournoutian, USA: Mazda Publishers.
- Atkin, Muriel(1988), Russian Expansion in the Caucasus to1813,in M.Rywkin(ed.), *Russian Colonial Expansion to 1917*, London & New York:Mansell Publishing Limited.
- Baddeley,John(1908),*The Russian Conquest of the Caucasus*, London:Longmans,Green and Co.
- Çakmak, Mehmet Ali(1998),Hoy Hanlıđı ve Osmanlı Devletinin Bu Hanlıkla İliřkileri, *Türk Kültürü*,Ankara.
- Gvosdev,Nikolas(2000),*Imperial Policies and Perspectives Towards Georgia1760–1819*, London:Macmillan.
- Nusel,Emre(2015),*Osmanli-Rus savařında Kafkas Hanlıklarının faaliyetleri(1787-1792)*, Yüksek lisans tezi,Trakya Üniversitesi.
- Osmanli belgelerinde Azerbaycan*(2015), TDBB yayinlari Arařtırma inceleme, İstanbul.
- Osmanli belgelerinde Karabağ*(2009), Osmanlı Arřivi Daire Bařkanlıđı, İstanbul.
- Osmanlı devleti ilâ Azerbaycan Türk Hanlıkları Arasındaki Münasibetlere Dair Arřiv Belgeleri(1578-1914)*,(1992),C.I,Osmanlı Arřivi Daire Bařkanlıđı,Ankara.
- Osmanlı devleti ilâ Azerbaycan Türk Hanlıkları Arasındaki Münasibetlere Dair Arřiv Belgeleri(1575-1918)*,(1993),C.II,Osmanlı Arřivi Daire Bařkanlıđı,Ankara.
- Tolmachev,E.p(2003), Russia's Annexation of the Caucasus, *Russian Social Science Review*, Vol.44, No.2.
- Werner, Christoph(2000), *An Iranian Town in Transition (A Social and Economic History of the Elites of Tabriz 1747-1848)*, Wiesbaden.
- Yerevantsi, Simeon(1958), *Jambr*, Yerevan: Mughni Hratarakchutyun.



The position of Ahmad Khan Donboli Khoie in Ottoman Government's policy of Pan-Islamism in the Caucasus¹

Mohammad Aziznejad²
Fatemeh Jafarniya³

Received: 2022/10/03
Accepted: 2023/03/13

Abstract

Pan-Islamism was the Ottoman Empire's plan to limit and contain Russia's expansionism. Their purpose was to bring the local Khans under one banner in the name of Islamic Unity to resist against Russia's colonial policies. Ahmad Khan Donboli (1176-1200AH/1786-1762AD), the ruler of Khoy, in the Azerbaijan region, was an influential and powerful figure. Despite being a Shiite, the Ottoman government saw him as a valuable asset for the purposes of the Pan-Islamism and thus approached him. This study aimed to unravel Ahmad Khan's position and role in Ottoman government's regional policy and shed light on the dimensions of their collaboration. The present study also intended to answer the following questions: How much did Ahmad Khan cooperate with the Ottomans? What was the ruler of Khoy's purpose from collaborating with the Ottomans on their Pan-Islamism policy? Using historical Persian manuscripts, documents printed in the Ottoman Empire, and Ottoman historiographical resources, this study attempted to answer the above-mentioned questions by an analytic-descriptive method. The findings indicate that the cooperation between them was beyond mere exchange of ambassadors and correspondence and had move to a whole new level of joint military and intelligence collaboration against Islam's enemies. Also, it was found that Ahmad Khan intended to upgrade his status from a local ruler to a claimant to the throne and to establish himself as an independent ruler in the absence of a powerful central government.

Keywords: Azerbaijan, Ahmad Khan Khoie, Pan-Islamism, Russia, The Ottoman Empire, Caucasus

1. DOI: 10.22051/hii.2023.41849.2711

2. PHD in history of Islamic Iran (Corresponding author). Maziznejad63@gmail.com.

3. Assistant Ptofessor, Department of history, Faculty of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran. F.jafarniya@pnu.ac.ir

Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493